



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 14, No. 1, 2025
Research Paper

Investigation and Analysis of Current Processes in Surah Maryam from the Perspective of Trans-Intellectual Roles

Abdolvahid Navidi^{1*}, Yousef Mottaqiannia

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

PhD student of Arabic language and literature, Department of Arabic Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Abstract

One of the new theories of linguistics, which can be used to analyze different types of texts, is Halliday's role-oriented order. Using this model to study Quranic surahs can introduce the audience to new meanings and implicit and hidden meanings in Quranic verses. For this purpose, the upcoming research will investigate, evaluate, and analyze all kinds of current processes in Surah Maryam using the descriptive and analytical method, and within the framework of Halliday's systematic role-oriented order. The most important results of the research indicate that the stylistic variety caused by the use of different processes has removed stillness, uniformity, and uniformity from the Surah text and has caused its dynamism and mobility. Material processes have the highest frequency in the text of the Surah and have been removed from the abstract space and perspective. The most important actor in material processes is God Almighty, whose prominent presence in the Surah indicates the importance of his name and memory and the importance of the deeds and actions that He performs. The high frequency of descriptive relational processes has increased the descriptive aspect of the text. Verbal processes are also used in different ways in Surah Maryam and have moved the action of the story in a specific direction or directions. To express the inner experiences of the characters used in the Surah, God Almighty has meaningfully used the mental processes that express their feelings and emotions.

Keywords: Holy Quran, Surah Maryam, Ideational Meta function, Current Processes, Halliday.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2024.140312.1931>

بررسی و تحلیل فرایندهای فعلی در سوره مریم از منظر فرانشی اندیشگانی

عبدالوحد نویدی^{۱*}، یوسف متقیان نیا^۲

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

a.v.navidi@scu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

joseph.mitaghi@gmail.com

چکیده

یکی از نظریه‌های جدید زبان‌شناسی که به کمک آن می‌توان انواع متون را تحلیل کرد، دستور نقش‌گرای هلیدی است. کاربست این الگو در بررسی سوره‌های قرآنی می‌تواند مخاطب را با دلالت‌های جدید و معانی ضمنی و نهفته موجود در آیات قرآنی آشنا کند. به این منظور، پژوهش پیش‌رو با استفاده از روش توصیفی، تحلیلی و آماری و در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، بر آن است تا انواع فرایندهای فعلی موجود در سوره مریم را بررسی و تحلیل کند. مهم‌ترین نتایج پژوهش بیانگر آن است که تنوع سبکی ناشی از به‌کارگیری فرایندهای مختلف، سکون، رتابت و یکنواختی را از متن سوره دور کرده و سبب پویایی و تحرک آن شده است. فرایندهای مادی بیشترین بسامد را در متن سوره دارند و آن را از فضای انتزاعی و دورنگرایی دور کرده‌اند. مهم‌ترین کنشگر فرایندهای مادی خداوند متعال است که حضور برجسته او در سوره حاکی از اهمیت نام و یاد او و نیز اهمیت افعال و اعمالی است که او انجام می‌دهد. بسامد زیاد فرایندهای رابطه‌ای از نوع وصفی جنبه توصیفی متن را ارتقاء داده است. فرایندهای کلامی نیز به اشکال مختلف در سوره مریم استفاده شده‌اند و عمل داستان را در جهت یا جهاتی مشخص پیش برده‌اند. خداوند متعال برای بیان تجربه‌های درونی شخصیت‌های استفاده‌شده در این سوره به طرزی معنادار از فرایندهای ذهنی استفاده کرده است که بیانگر احساسات و عواطف و مکنونات آن‌ها هستند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، سوره مریم، فرانشی اندیشگانی، فرایندهای فعلی، هلیدی.

۱. طرح مسأله

است که در تفسیر متن و توصیف ارتباط میان زبان و تفکر، زبان و سبک و زبان و ذهن نقشی مؤثر دارد؛ زیرا «بخشی وسیع از جنبه تحلیلی و کاربردی زبان و نقش تفسیری آن در نظریه‌های زبان‌شناسی تحقق یافته است» (اورندی، ۱۳۹۹، ص ۲). نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی نیز زبان و ساختار آن را در راستای معنا و مفهوم

بررسی سوره‌ها و آیات قرآن کریم بر اساس نظریه‌های زبان‌شناسی جدید سبب می‌شود تا مخاطب از سطح معانی ظاهری آیات فراتر برود و به معانی ضمنی دست پیدا کند. منظور از به‌کارگیری رویکردهای زبان‌شناسانه به متن قرآن جنبه تحلیلی و کاربردی زبان

متن بررسی می‌کند و سعی دارد نشان دهد چگونه بافت و معنا زبان ویژه یک متن را سامان می‌بخشد. این نظریه رابطه میان زبان، معنا، اجتماع و فرهنگ را در سه حوزه فرانقش اندیشگانی، بینافردی و متنی آشکار می‌کند. بررسی و تحلیل متون قرآنی از منظر هر یک از این حوزه‌ها به تفسیری عینی و علمی از آن‌ها منجر می‌شود. بر همین اساس، نگارندگان قصد دارند تا فرایندهای فعلی را که در حوزه فرانقش اندیشگانی قرار دارند، در سوره مریم بررسی و لایه‌های زیرین و ضمنی موجود در آیات آن را کشف کنند و برای پرسش‌های زیر پاسخ‌هایی مناسب بیایند:

- ۱- اندیشه و ذهنیت خالق متن چگونه در فرایندهای افعال و ساخت گذرایی بازنمایی شده است؟
- ۲- کدام یک از فرایندها در سوره مریم از بسامدی بیشتر برخوردار است و این فرایند غالب چگونه در تفسیر متن عمل می‌کند؟

۲. پیشینه پژوهش

تا کنون پژوهش‌هایی متعدد در رابطه با قرآن کریم و تحلیل زبانی آن بر اساس دستور نقش‌گرای هلیدی انجام شده‌اند. برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- ۱- مقاله «بررسی فرایندهای فعلی سور مقولات از دیدگاه فرانقش اندیشگانی دستور هلیدی» از نرگس معصومی مفرد و همکاران (۱۳۹۸ش). پژوهش یادشده، بر مبنای فرانقش اندیشگانی هلیدی، پنج سوره از قرآن کریم را بررسی کرده است که با کلمه «قل» آغاز می‌شوند و به این نتایج رسیده است که هر شش نوع فرایند فعلی مدنظر هلیدی در سوره‌های یادشده کاربرد دارند؛ اما در سوره جن، بیشترین فرایند به فرایند ذهنی مربوط می‌شود و در چهار سوره دیگر، فرایند مادی بیشترین درصد فراوانی را دارد.

- ۲- مقاله «تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس بر

اساس الگوی فرانقش متنی هالیدی» از حسین سیدی و سمیه بیگ‌قلعه‌جویی (۱۳۹۸ش). نویسندگان در این پژوهش گفتمان دو سوره فلق و ناس را در سطح فرانقش متنی بر اساس نظریه نقش‌گرای هالیدی بررسی و تحلیل کردند و با بررسی ساخت مبتدا - خبری و اطلاعی دو سوره یادشده دریافتند این دو سوره به لحاظ گفتمان بر مبنای مکالمه و پرسش و پاسخ هستند و عناصر واژگانی و به ویژه عنصر تکرار اولین عامل انسجام متن در هر دو سوره بوده‌اند.

- ۳- مقاله «بررسی فرانقش‌های اندیشگانی و متنی ترجمه سوره ملک» از خدیجه بهرامی رهنما (۱۳۹۹ش). این مقاله بر اساس نظریه هلیدی، انواع فرایندها، آغازگرها و انسجام متنی را در سوره ملک تحلیل کرده است.

- ۴- مقاله «بررسی سوره مطففین از منظر فرانقش اندیشگانی هلیدی» از سودابه مظفری و مریم اطهری‌نیا (۱۴۰۱ش). این مقاله سوره مطففین را به منظور دستیابی به لایه‌های نهفته آیات و شناخت عمیق‌تر مفاهیم سوره بر مبنای فرانقش اندیشگانی بررسی کرده است.

- ۵- مقاله «تحلیل فرایندهای فرانقش اندیشگانی در سوره‌های واقعه و قیامت» از کاظمی و زارع برمی (۱۴۰۱ش). نویسندگان در پژوهش یادشده فرانقش اندیشگانی در سوره‌های واقعه و قیامت را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که فرایند مادی بیش از سایر فرایندها در متن سوره به کار رفته است و فراوانی این فرایند به‌طور ملموس بر وقوع کنش یعنی قیامت تأکید دارد.

بنابراین، با بررسی پیشینه پژوهش مشخص می‌شود تا کنون، فرایندهای فعلی در سوره مریم بررسی و تحلیل نشده‌اند و مقاله حاضر ضمن بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین، در نوع خود جدید به شمار می‌رود.

۳. مبانی نظری: دستور نظام‌مند نقشی

زبان‌شناسی نقش‌گرا رویکردی است که توسط

هلیدی^۱ در سال ۱۹۸۵ مطرح شده است. «نقش‌گرایی هلیدی در سنت نقش‌گرایی اروپایی، به‌ویژه مکتب لندن و نظریه نظام - ساخت فرث^۲، همچنین مکتب پراگ و آرای متسیوس^۳ درباره‌ی نمای نقشی جمله - ریشه دارد» (دبیرمقدم، ۱۳۸۶ش، ص ۴۳). هلیدی در تلاش بود تا با ارائه روشی نظام‌مند، ساختار زبان را در پرتو بافت موقعیت آشکار کند. این نظریه معنامحور است و ساختار زبان را تابعی از معنا می‌داند. بر این اساس، هر مقوله زبانی دارای دو ماهیت است: ماهیت صوری و ماهیت معنایی. ماهیت صوری در خدمت بازنمایی ماهیت معنایی است و با کاویدن آن می‌توان به مفهوم یک متن یا گفتار پی برد. هلیدی نقش‌ها و کارکردهای اساسی زبان را به سه دسته تقسیم می‌کند و باور دارد نقش‌های مختلف زبان در سه فرانقش اندیشگانی، بینافردی و متنی متجلی می‌شوند. فرانقش اندیشگانی ذهنیت‌گوینده یا نویسنده را هنگام استفاده از زبان برای بیان تجربه‌ها آشکار می‌کند. برای مثال، بسامدی زیاد استفاده از فرایندهای مادی ممکن است بر برون‌گرا بودن گوینده یا نویسنده دلالت کند؛ همچنانکه بسامدی زیاد استفاده از فرایندهای ذهنی ممکن است دال بر درون‌گرا بودن او باشد. فرانقش بینافردی بیانگر ارتباط افراد با یکدیگر هنگام استفاده از زبان است. این فرانقش تأثیرپذیری و تأثیرگذاری زبان افراد بر یکدیگر را آشکار می‌کند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۵). فرانقش متنی گوینده را قادر می‌سازد تا آنچه را می‌خواهد بگوید و به گونه‌ای منسجم و سازمان‌یافته در قالب بند ارائه دهد (صالحی، ۱۳۸۶ش، ص ۳۵). هلیدی بند را واحد تجزیه و تحلیل متن می‌داند و هر یک از این فرانقش‌ها را در سطح بند بررسی می‌کند. زبان، نظام، ساختار، نقش، بافت، واژگان و دستور از جمله مفاهیم کلیدی این نظریه هستند. از نظر هلیدی، «زبان

نقش و کارکردهایی مختلف در جامعه و پدیده‌های اجتماعی دارد؛ از این رو، رویکرد نقش‌گرایی سعی می‌کند هم خود زبان را به طور ذاتی توضیح دهد، هم رابطه آن را با ساختارهایی همچون فرهنگ و جامعه بیان کند» (Leech, 1988, p. 76). بر این اساس، یک بند زبانی به طور هم‌زمان سه ساختار و به تبع آن، سه معنا یا کارکرد متفاوت اما مکمل دارد که هم‌زمان عمل می‌کنند و با هم ترکیب می‌شوند؛ معانی که از یک‌سو، بافت موقعیتی شرایطی مساعد را برای وقوع آن‌ها فراهم کرده است و از سوی دیگر، در لایه واژ - لایه دستوری زبان که جایگاه عمل واژگان و دستور زبان است - ساختاری ویژه برای تحقق هر یک از آن‌ها تعبیه شده است (هلیدی و حسن، ۱۳۹۶ش، ص ۳۴). با توجه به اینکه تمرکز مقاله روی فرانقش اندیشگانی و مشخصاً انواع فرایندها است، در ادامه، فقط این مباحث بررسی خواهند شد.

۳-۱- فرانقش اندیشگانی

انسان برای بیان تجربه‌های خود از واژگان، عبارت‌ها و اصطلاح‌ها استفاده می‌کند. انتخاب این واحدهای زبانی، بسته به موقعیت اجتماعی و فرهنگی، از فردی به فرد دیگر متفاوت است و این تفاوت در زبان متجلی می‌شود. «هر تجربه‌ای این قابلیت را دارد که از طریق زبان معنامند شود. در واقع، زبان بستری است برای نظریه‌پردازی درباره تجربه‌های انسان و همچنین، منبعی است از واژگان - دستور برای ایفای این نقش» (اورندی، ۱۳۹۹ش، ص ۳۳). در دستور نقش‌گرایی هلیدی، الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانقش اندیشگانی در زبان بازنمایی می‌شوند؛ از این رو، با بررسی فرایندهای موجود در جمله‌ها و افعال آن‌ها و در نهایت، تعیین بسامد هر یک از انواع آن‌ها، می‌توان از تجربه‌ها، تفکرات و دنیای درون نویسنده آگاه شد.

فرانقش اندیشگانی سه عنصر مهم دارد که عبارت‌اند از: فرایند، مشارکان فرایند و عناصر حاشیه‌ای فرایند.

¹ Halliday

² Firth

³ Matsius

منظور از فرایند فعل‌های به‌کاررفته در نوشتار یا گفتار است. منظور از مشارکان فرایند افراد دخیل در فرایند هستند که می‌توانند اصلی و ذاتی فرایند باشند یا عنصری فرعی. افراد دخیل در فرایند یا آن را انجام می‌دهند یا فرایند بر آن‌ها اعمال می‌شود یا بهره‌ای از آن می‌برند. منظور از عناصر حاشیه‌ای عناصری هستند که حالت، علت، شرایط، موقعیت، مکان و زمان یا ابزار وقوع فرایند را بیان می‌کنند. «ساخت معنایی فراتر از اندیشگانی زبان هنگام تحقق در لایه واژ - دستوری - در قالب نظام تعدی زبان ظاهر می‌شود که در واحد بند عمل می‌کند (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳، ص ۴۳). در میان این عناصر سه‌گانه، آنچه بیش از همه نقش کانونی دارد، عنصر فعل است که فرایند را بازنمایی می‌کند. هلیدی از دو اصطلاح فعل ناگذرا و گذرا برای بازنمایی جوانبی از فرایندها استفاده می‌کند. فعل ناگذرا بیانگر فرایندهای یک‌مشارکی و فعل گذرا بیانگر فرایندهای دو یا سه‌مشارکی است. این مشارکان در لایه واژ - دستوری - در گروه اسمی تحقق می‌یابند. هلیدی فرایندها را با توجه به معنای آن‌ها به شش نوع تقسیم می‌کند و در دو دسته فرایندهای اصلی و فرعی قرار می‌دهد. هر یک از این فرایندها مشارکانی ویژه دارند و گذرایی (متعدی) یا ناگذرایی (لازم) افعال در تعیین تعداد و نوع این مشارکان نقش دارد.

۳-۲-۱- فرایند مادی

فرایندی است که در طی آن کار یا رخدادی انجام می‌شود یا چیزی اثر می‌پذیرد. مشارکان این فرایند، بسته به گذرا یا ناگذرا بودن فعل، متغیر هستند. «اگر فعل ناگذر باشد، با یک مشارک به نام «کنشگر» روبه‌رو هستیم» (Egins, 2007, p. 215)؛ مانند آیه: «خَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ» (مریم: ۱۱). در آینه، فعل «خَرَجَ» فرایند مادی است و فقط یک مشارک دارد که ضمیر مستتر در آن است و از آن به عنوان کنشگر یاد می‌شود. دو عبارت «عَلَى قَوْمِهِ» و «مِنَ الْمِحْرَابِ» عناصر پیرامونی هستند. «اگر

فعل گذار باشد، عنصری دیگر به نام «کنش‌پذیر یا هدف» وارد فرایند می‌شود» (همان: ۲۱۵)؛ مانند آیه: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» (مریم: ۱۲). در این آیه، فعل امر «خُذِ» فرایند مادی است و دو مشارک در آن وجود دارند: یکی فاعل فعل یعنی «أَنْتَ» که به یحیی برمی‌گردد و کنشگر است و دومی «کتاب» است که کنش‌پذیر یا هدف نام دارد. عبارت «بِقُوَّةٍ» نیز عنصر پیرامونی است. بر این اساس، کنشگر عنصری است که وقوع فعل در گرو حضور آن است و کنش‌پذیر یا هدف عنصری است که کنش از طریق کنشگر بر آن واقع می‌شود.

۳-۲-۲- فرایند ذهنی

فرایند ذهنی بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد؛ مانند فکر کردن و دوست داشتن و ضرورتاً دو مشارک دارد: حسگر و پدیده (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 197). حسگر یا مدرک عنصری است که احساس دارد یا می‌اندیشد یا ادراک می‌کند. مدرک یا باشعور است یا با شعور پنداشته می‌شود. پدیده عنصری است که درک، احساس یا ادراک می‌شود. در این فرایند، به اجبار کاری انجام نمی‌شود، بلکه چیزی در جهان ذهن اتفاق می‌افتد؛ مانند آیه: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي» (مریم: ۵). در این آیه، فعل «خَفْتُ» فرایند ذهنی است و ضمیر «تُ» حسگر و «الْمَوَالِيَ» پدیده محسوب می‌شود. «مِنْ وَرَائِي» نیز عنصر پیرامونی است.

۳-۲-۳- فرایند رابطه‌ای

فرایند رابطه‌ای بر چگونگی چیزی یا کسی دلالت دارد؛ مانند فعل‌های بودن، شدن یا به نظر رسیدن. در این فرایند، میان دو مفهوم رابطه برقرار می‌شود و موضوع اصلی بیان وضعیت و مالکیت چیزی است (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 211). کسی یا چیزی که خصوصیتی ویژه داشته باشد، «حامل» و ویژگی منتسب به او را «محمول» می‌گویند. فرایند رابطه‌ای ممکن است به

«عَلَى الْأَرَائِكِ» نیز عنصر پیرامونی است.

۳-۲-۵- فرایند کلامی

این فرایند با فعل‌هایی مانند گفتن، بیان کردن، اظهار کردن و ... سروکار دارد. این فرایند بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شود و مشارکان آن عبارت‌اند از: گوینده، مخاطب و گفته (Eggins, 2007, p. 239); مانند آیه ۳ سوره مریم: «إِذْ نَادَى رَبُّهُ نَدَاءً خَفِيًّا». در این آیه، فعل «نادی» فرایند کلامی است، ضمیر مستتر «هو» که به زکریا برمی‌گردد گوینده است، «رب» مخاطب و آیه چهارم به طور کامل «گفته» است. «نَدَاءً خَفِيًّا» هر دو عناصر پیرامونی محسوب می‌شوند.

۳-۲-۶- فرایند وجودی

این فرایند بر «هستی یا نیستی» پدیده‌ای دلالت دارد (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 257). فعل بندهایی که حاوی این فرایند هستند معمولاً (بودن) است. مشارک این فرایند که از هستی یا نیستی آن سخن می‌رود «موجود» نامیده می‌شود. افعال (هست، بود، وجود داشت، واقع شد، ظاهر شد و باقی ماند) بیانگر این فرایند هستند. فرایندهای وجودی حد واسط فرایندهای مادی و رابطه‌ای هستند (رضاپور و جلیلی دوآب، ۱۳۹۵ش، ص ۸۸); مانند آیه: «أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ» (مریم: ۸). در این آیه، فعل «يَكُونُ» فرایند وجودی و «غلام» موجود است. «أَنِّي و لِي» هر دو عناصر پیرامونی هستند.

۴. تحلیل انواع فرایندها در سوره مریم

پیش از بررسی و تحلیل فرایندهای موجود در سوره مریم، جدول انواع فرایندها در ادامه خواهد آمد. با بررسی و شمارش انواع فرایندها، می‌توان بسامد و نسبت هر یک از آن‌ها را در جدول و نمودار زیر نشان داد.

دو صورت وصفی (اسنادی) یا شناسایی (هویتی) به کار برود. در نوع وصفی، یک ویژگی که ممکن است کیفیت، زمان، مکان یا دارایی باشد، به چیزی نسبت داده شود. این ویژگی با فعلی ربطی (بود، شد، داشت، شبیه بودن، به نظر آمدن یا به نظر رسیدن) به حامل یا دارنده نسبت داده می‌شود (صفایی و همکاران، ۱۳۹۶ش، ص ۱۸۱). برای مثال، برای این بخش از فرایند می‌توان به آیه ۵ سوره مریم اشاره کرد: «وَكَاَنَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا». در این آیه، فعل «كَانَتِ» فرایند رابطه‌ای از نوع وصفی است. «امْرَأَتِي» نیز حامل و «عَاقِرًا» محمول است. در اینجا، ویژگی نازا بودن به زن حضرت زکریا نسبت داده شد؛ اما در فرایند شناسایی (هویتی) چیزی، چیزی دیگر را می‌شناساند یا یک مدخل، مدخلی دیگر را توضیح می‌دهد. نقش‌های سازنده این فرایند عبارت‌اند از: «شناخته» و «شناسان». در این نوع فرایند، می‌توان جای دو طرف رابطه را با هم عوض کرد بدون اینکه در معنای بند تغییری ایجاد شود. مانند آیه ۷ سوره مریم: «اسْمُهُ يَحْيَى». در اینجا، فعل فرایند محذوف است به تقدیر «یکون» یعنی «یکون اسم» یحیی». «اسمه» شناخته و «یحیی» شناسان است؛ ضمن این‌که می‌توان جای عناصر را با هم عوض کرد و گفت: «يَحْيَى اسْمُهُ» بدون اینکه معنای عبارت عوض شود.

۳-۲-۴- فرایند رفتاری

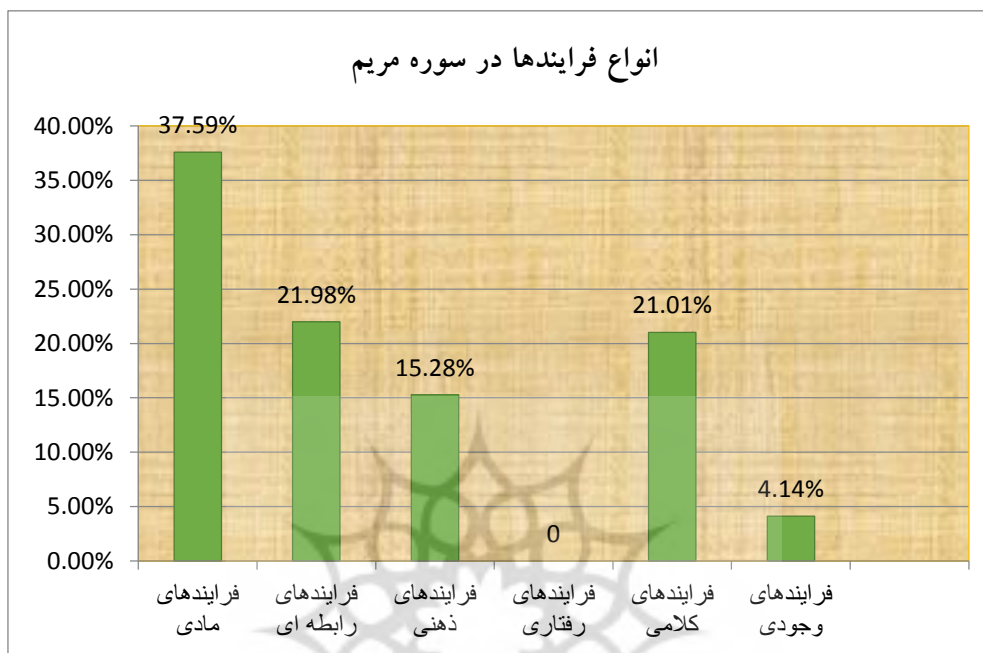
این فرایند متضمن رفتارهای گوناگون روانی، زیستی و فیزیولوژیکی موجودی جان‌دار یا جان‌دار پنداشته شده است و حد واسط فرایند ذهنی و مادی به شمار می‌رود و فقط یک مشارک به نام «رفتارگر» دارد (Halliday & Matthiessen, 2004, p. 125). برای مثال، دیدن و شنیدن فرایندهای ذهنی هستند؛ اما نگاه کردن و گوش کردن فرایندهای رفتاری محسوب می‌شوند. این فرایند در سوره مریم نمودی ندارد؛ اما می‌توان به آیه ۳۵ سوره مطففین اشاره کرد: «عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ». در این آیه، فعل «يَنْظُرُ» فرایند رفتاری، ضمیر باز «او» رفتارگر و

جدول ۱: نحوه توزیع فرایندها در سورة مریم

آیه	انواع فرایندها و تعداد آنها	آیه	انواع فرایندها و تعداد آنها	آیه	انواع فرایندها و تعداد آنها
۱-	---	۲-	رابطه‌ای ۱	۳-	کلامی ۱
۴-	کلامی ۳، مادی ۲، رابطه‌ای ۱	۵-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۱، مادی ۱	۶-	مادی ۳، کلامی ۱
۷-	کلامی ۲، رابطه‌ای ۱، مادی ۱	۸-	کلامی ۲، وجودی ۱، رابطه‌ای ۱، مادی ۱	۹-	کلامی ۲، رابطه‌ای ۲، مادی ۱، وجودی ۱
۱۰-	کلامی ۴، مادی ۱، رابطه‌ای ۱	۱۱-	مادی ۱، کلامی ۲	۱۲-	کلامی ۱، مادی ۲
۱۳-	مادی ۱، رابطه‌ای ۱	۱۴-	رابطه‌ای ۲	۱۵-	رابطه‌ای ۱، مادی ۳
۱۶-	ذهنی ۱، مادی ۱	۱۷-	مادی ۲، رابطه‌ای ۱	۱۸-	کلامی ۱، ذهنی ۱، وجودی ۱
۱۹-	کلامی ۱، رابطه‌ای ۱، مادی ۱	۲۰-	کلامی ۱، وجودی ۱، مادی ۱، رابطه‌ای ۱	۲۱-	کلامی ۲، رابطه‌ای ۳، مادی ۱
۲۲-	مادی ۲	۲۳-	مادی ۲، کلامی ۱، رابطه‌ای ۱	۲۴-	کلامی ۱، ذهنی ۱، مادی ۱
۲۵-	مادی ۲	۲۶-	مادی ۳، ذهنی ۲، کلامی ۲	۲۷-	مادی ۳، کلامی ۲
۲۸-	کلامی ۱، رابطه‌ای ۲	۲۹-	کلامی ۳، رابطه‌ای ۱	۳۰-	کلامی ۱، رابطه‌ای ۱، مادی ۲
۳۱-	مادی ۱، وجودی ۱، کلامی ۱، رابطه‌ای ۱	۳۲-	مادی ۲	۳۳-	رابطه‌ای ۱، مادی ۳
۳۴-	رابطه‌ای ۱، کلامی ۱، ذهنی ۱	۳۵-	رابطه‌ای ۱، مادی ۱، کلامی ۲، وجودی ۲	۳۶-	رابطه‌ای ۲، ذهنی ۱
۳۷-	مادی ۱، رابطه‌ای ۱، ذهنی ۱	۳۸-	ذهنی ۲، مادی ۱، وجودی ۱	۳۹-	کلامی ۱، مادی ۱، وجودی ۱، ذهنی ۱
۴۰-	مادی ۲، وجودی ۱	۴۱-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۱	۴۲-	کلامی ۲، ذهنی ۳، مادی ۱
۴۳-	کلامی ۱، مادی ۳، ذهنی ۱	۴۴-	کلامی ۱، ذهنی ۱، رابطه‌ای ۱	۴۵-	کلامی ۱، ذهنی ۱، مادی ۱، رابطه‌ای ۱
۴۶-	کلامی ۲، رابطه‌ای ۱، ذهنی ۱، مادی ۲	۴۷-	کلامی ۱، رابطه‌ای ۲، ذهنی ۱	۴۸-	مادی ۱، کلامی ۲، رابطه‌ای ۱
۴۹-	مادی ۳، ذهنی ۱	۵۰-	مادی ۲	۵۱-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۲
۵۲-	کلامی ۱، مادی ۱	۵۳-	مادی ۱	۵۴-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۲
۵۵-	کلامی ۱، رابطه‌ای ۱	۵۶-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۱	۵۷-	مادی ۱
۵۸-	رابطه‌ای ۱، مادی ۴، ذهنی ۱، کلامی ۱	۵۹-	مادی ۴	۶۰-	ذهنی ۳، مادی ۲
۶۱-	مادی ۱، کلامی ۱، رابطه‌ای ۱	۶۲-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۱	۶۳-	رابطه‌ای ۲، مادی ۱
۶۴-	مادی ۱، رابطه‌ای ۲، وجودی ۳	۶۵-	وجودی ۱، ذهنی ۳	۶۶-	کلامی ۱، مادی ۲
۶۷-	ذهنی ۱، مادی ۱، رابطه‌ای ۱	۶۸-	کلامی ۱، مادی ۲	۶۹-	مادی ۱، رابطه‌ای ۱
۷۰-	رابطه‌ای ۲	۷۱-	رابطه‌ای ۲	۷۲-	مادی ۲، ذهنی ۱
۷۳-	کلامی ۲، ذهنی ۲، رابطه‌ای ۲	۷۴-	مادی ۱، رابطه‌ای ۱	۷۵-	کلامی ۲، وجودی ۱، مادی ۱، ذهنی ۲، رابطه‌ای ۲
۷۶-	مادی ۱، ذهنی ۱، رابطه‌ای ۲	۷۷-	ذهنی ۲، کلامی ۱، مادی ۱	۷۸-	ذهنی ۱، مادی ۱
۷۹-	مادی ۲، کلامی ۱	۸۰-	مادی ۲، کلامی ۱	۸۱-	مادی ۱، رابطه‌ای ۱
۸۲-	ذهنی ۱، رابطه‌ای ۱	۸۳-	ذهنی ۱، مادی ۲	۸۴-	مادی ۲
۸۵-	مادی ۱	۸۶-	مادی ۱	۸۷-	مادی ۲
۸۸-	کلامی ۱، مادی ۱	۸۹-	مادی ۱	۹۰-	مادی ۳
۹۱-	کلامی ۱	۹۲-	رابطه‌ای ۱، مادی ۱	۹۳-	مادی ۱
۹۴-	مادی ۲	۹۵-	رابطه‌ای ۱	۹۶-	ذهنی ۱، مادی ۲
۹۷-	مادی ۱، کلامی ۲	۹۸-	مادی ۱، ذهنی ۲		

جدول ۲: انواع و تعداد فرایندها در سوره مریم

انواع فرایندها	مادی	رابطه‌ای	ذهنی	رفتاری	کلامی	وجودی	مجموع
تعداد	۱۱۸	۶۹	۴۸	۰	۶۶	۱۳	۳۱۴
درصد	۳۷/۵۹	۲۱/۹۸	۱۵/۲۸	۰	۲۱/۰۱	۴/۱۴	



نمودار ۱: انواع فرایندها در سوره مریم

دچار تغییر شده است تا به بهترین شکل ممکن، ایده و اندیشه مدنظر به مخاطب منتقل شود. در ادامه، شرح و توضیح هر یک از فرایندها خواهد آمد.

۴-۱- فرایند مادی

همان‌طور که در جدول (۲) و نمودار (۱) آمده است، فرایندهای مادی با ۱۱۸ مورد رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند. یکی از مهم‌ترین شگردهای به‌کاررفته در سوره مریم برای دور شدن از فضای انتزاعی و درون‌گرایی استفاده فراوان از فرایندهای مادی است. این افعال به دلیل حرکت و نیروی انگیزشی که در درون خود دارند، عاملی مؤثر در جلب توجه مخاطب و ایجاد انگیزه برای تغییر و تحول و نیز پذیرفتن ایده اصلی حاکم بر متن محسوب می‌شوند. بی‌شک، بسامد زیاد این نوع فرایندها

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، متن سوره مریم در حوزه فرایندها از تنوعی خوب برخوردار است. تمام فرایندها به‌جز فرایند رفتاری در سوره به کار رفته‌اند. در این میان، فرایندهای مادی با ۳۷/۵۹ درصد (۱۱۸ فرایند) در رتبه اول قرار دارند. فرایندهای رابطه‌ای با ۲۱/۹۸ درصد (۶۹ فرایند) و فرایندهای کلامی با ۲۱/۰۱ درصد (۶۶ فرایند) در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. فرایندهای ذهنی نیز با ۱۵/۲۸ درصد (۴۸ فرایند) و فرایندهای وجودی با ۴/۱۴ درصد (۱۳ فرایند) در رتبه‌های چهارم و پنجم واقع شده‌اند. از فرایندهای رفتاری در سوره استفاده نشده است. علت استفاده از فرایندهای مختلف به موضوع‌های مطرح‌شده در سوره برمی‌گردد. به عبارت دیگر، به فراخور موضوع‌های مطرح‌شده در آیات، کلام خداوند نیز در حوزه فرایندها

در متن سوره مضمون و محتوای آن را ملموس‌تر و باورپذیرتر کرده است. بسامد زیاد این فرایندها بر وجود کنشگر تأکید می‌کند؛ زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مشارک اصلی این فرایند کنشگر است. از جمله فرایندهای مادی که کنشگر آن‌ها «خداوند» است، می‌توان به آیات زیر از سوره مریم اشاره کرد:

فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا (۵) وَاجْعَلْهُ رَضيًّا (۶) وَقَدْ خَلَقْتِكَ مِنْ قَبْلُ (۹) اجْعَلْ لِي آيَةً (۱۰) وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (۱۲) وَ[آتَيْنَاهُ] حَنَانًا مِنْ لَدُنَّا وَزَكَاةً (۱۳) فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا (۱۷) لَأَهَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹) وَلَنَجْعَلَ لَآيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا (۲۱) قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا (۲۴) وَجَعَلَنِي نَبِيًّا (۳۰) وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا .. (۳۱) وَ [جَعَلَنِي] بَرًّا بِوَالِدَتِي (۳۲) وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا (۴۹) وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا (۵۰) وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا (۵۳) وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا (۵۷) أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ (۵۸) أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ (۶۷) فَوَرَّيْكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًّا (۶۸) ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ (۶۹) ثُمَّ نَنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًّا (۷۲) وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ (۷۴) لَأُولَئِينَ مَالًا وَوَلَدًا (۷۷) كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ (۷۹) أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ (۸۳) يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفَدًا (۸۵) وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثَةً (۸۶) لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَاهُمْ عَدًّا (۹۴) وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ (۹۸)

کنشگر فرایندهای مشخص‌شده در بالا در تمام آیات خداوند متعال است. علت مادی بودن فرایندهای بالا این است که افعال و کارهای او به شکلی ملموس و عینی به مخاطب منتقل شوند؛ زیرا «بهره‌گیری از فرایندهای مادی بازنمایی امور، وقایع و رخدادهای جهان بیرون و درون را واقعی‌تر، ملموس‌تر و در نتیجه، باورپذیرتر می‌کند» (سلطانی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۰۱)؛ ضمن اینکه خالق متن بر آن است تا به مخاطب بفهماند دامنه قدرت خداوند وسیع

و گسترده است و انجام‌دهنده واقعی امور او است. او است که قدرت داد و دهش دارد و ویژگی‌هایی همچون آفریدن، حمل‌کردن، جمع‌کردن، حاضر کردن، هلاک کردن، نعمت‌دادن، کشاندن، فرستادن، همه و همه از توانایی‌های او هستند. حضور پررنگ خداوند در این سوره نشان‌دهنده اهمیت ذکر و یاد او و نیز اهمیت افعال و اعمالی است که او انجام می‌دهد.

علاوه بر خداوند متعال، کنشگرهایی دیگر نیز وجود دارند. نکته‌ای دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که فرایندهای مادی در آیات بالا فقط در دو جا حذف شده‌اند. این امر نشان می‌دهد خالق متن به دنبال آن بوده است تا فعل و فرایندها را بیان کند تا عمل و کنش برای مخاطب ملموس‌تر و عینی‌تر جلوه کند. به دیگر سخن، فرایند مادی بیانگر عملی فیزیکی و محسوس است و خداوند از این طریق خواسته است فضای متن سوره را از حالت توصیف صرف خارج کند و به آن حالتی عینی و واقعی ببخشد. فرایندهای مادی در آیات زیر نیز استفاده شده‌اند: إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا (۴) يَرْثُنِي وَيُثِّبُ مِنِّي آلَ يَعْقُوبَ (۶) وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ (۱۱) خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ (۱۲)

تمام فرایندهای مشخص‌شده در بالا، سست شدن، شعله‌ور شدن، ارث بردن، رسیدن (پیر شدن) و خارج شدن، همگی مادی هستند. کنشگر در آیه ۴ استخوان و سر حضرت زکریا است. همان‌طور که می‌بینیم، در اینجا عملی انجام نشده است، بلکه حالتی بر اعضا و جوارح زکریا عارض شده است که همان سست شدن استخوان و سفید شدن موی سر و پیری او است. قبلاً نیز اشاره شد، در فرایندهای مادی ممکن است عمل یا حادثه‌ای رخ بدهد یا ممکن است حالتی بر چیزی یا کسی عارض شود. کنشگر در آیات ۸ و ۱۱ حضرت زکریا و در آیات ۶ و ۱۲ حضرت یحیی است که خداوند متعال در سن پیری مؤدّه او را به زکریا داده است. از دیگر کنشگرهای

این سوره، حضرت مریم است: إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶) فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا (۱۷) فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲) يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا (۲۳) وَهَزِي إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ (۲۵) فَكُلِي وَاشْرَبِي (۲۶) فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۲۷)

فعل‌های دور شدن، گرفتن، حمل کردن، مردن، تکان دادن، خوردن، نوشیدن و آمدن، همگی فرایندهای مادی هستند. در تمام این آیات، خداوند متعال از فرایندهای مادی بهره برده است تا مخاطب، خود را در دل حوادث ببیند و آنها را بهتر و ملموس‌تر درک کند.

۴-۲- فرایند رابطه‌ای

با توجه به جدول (۲)، فرایندهای رابطه‌ای با ۶۹ مورد (۲۱/۹۸ درصد) در مرتبه دوم قرار دارند. در بیشتر موارد، این نوع فرایندها در جمله‌های اسمیه و جمله‌هایی که یکی از ادوات ناسخه بر سر آنها آمده است، نمود پیدا می‌کند. استفاده فراوان از این فرایند نشان‌دهنده این است که خالق متن در پی توصیف و شرح فضای کلی حاکم بر متن سوره است. فرایندهای یادشده به دو شکل در متن سوره به کار رفته‌اند: وصفی و شناسایی. از نمونه‌های وصفی می‌توان به آیات زیر اشاره کرد: وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ شَقِيًّا (۴) وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا (۵) هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ (۹) وَكَانَ تَقِيًّا (۱۳) وَتَرَىٰ بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا (۱۴) إِنْ كُنْتُ تَقِيًّا (۱۸) إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ (۱۹) وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰) وَكَانَ امْرَأً مَقْضِيًّا (۲۱) وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا (۲۳) مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأً سَوْءً وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا (۲۸) فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (۲۹) إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ (۳۰) مَا دُمْتُ حَيًّا (۳۱) إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا (۴۱) إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا (۴۴) فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا (۴۵) أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي (۴۶) إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا (۴۷) عَسَىٰ أَلَا أَكُونُ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۴۸) إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۱) إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۴) كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (۵۵) إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا

نَبِيًّا (۵۶) إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا (۶۱) وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا (۶۲) ... مَنْ كَانَ تَقِيًّا (۶۳) وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا (۶۴) أَهْلُهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عَيْنًا (۶۹) ثُمَّ لَنَحْنُ أَغْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا (۷۰) وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا (۷۱) أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا (۷۳)

در تمام آیات بالا، از فرایندهای رابطه‌ای از نوع وصفی برای اثبات یا نفی صفت از حامل استفاده شده است. از نمونه‌های شناسایی می‌توان به این آیات اشاره کرد: اسْمُهُ يَحْيَىٰ (۷) آيَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰) وَكَانَ امْرَأً مَقْضِيًّا (۲۱) ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (۳۴) وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ ... هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ (۳۶) تِلْكَ الْجَنَّةُ (۶۳)

تأویل آیه ۱۰ به این صورت است که اگر جای دو عنصر شناسه و شناخته با هم عوض شود، خللی به معنا و مفهوم آیه وارد نمی‌شود. همان‌طور که می‌بینیم، از مجموع فرایندهای رابطه (۶۹ فرایند)، فقط در ۶ فرایند، از نوع شناسایی استفاده شده است و در ۶۳ فرایند دیگر از فرایندهای رابطه‌ای وصفی استفاده شده است. دلیل آن نیز روشن است؛ بخشی عظیم از سوره مبارکه مریم برای توصیف به کار رفته است و برای تحقق این امر، بهترین نوع فرایند، فرایند رابطه‌ای وصفی است؛ امری که عملاً در این سوره محقق شده است؛ ضمن اینکه در فرایندهای رابطه‌ای، بهتر می‌توان محتوای کلام را با جزئیاتی بیشتر در اختیار مخاطب قرار داد و از این طریق، وی را با خود و اندیشه خود همراه کرد.

با مراجعه به جدول (۱)، ملاحظه می‌شود خداوند متعال در کنار فرایندهای مادی، از فرایندهای رابطه‌ای بهره فراوان برده است. علاوه بر تنوع سبکی برآمده از کاربست فرایندها که به نوعی، حالت سکون، رتاب و یکنواختی را از متن دور کرده و سبب پویایی و تحرک آیات شده است، هدف خداوند متعال این است که توجه و اهتمام مخاطب/شنونده را از فضای «توصیف به عمل» و از

(۸۳)

در آیات بالا، ترسیدن، یاد کردن، غمگین شدن، دیدن، شک کردن، کافر شدن، شنیدن، ایمان آوردن، عبادت کردن، هدایت کردن، توبه کردن، ستم کردن، دانستن و مطلع شدن، همگی اموری ذهنی، حسی و فکری هستند و در زمره فرایندهای ذهنی به شمار می‌روند؛ زیرا تمام آن‌ها به تجربه انسان از جهان ذهن و درون او مربوط می‌شوند. در این فرایند، همیشه یک حسگر - که فرایند ذهنی را انجام می‌دهد - و یک پدیده یا نمود - که به صورت ذهنی درک می‌شود - وجود دارد. برای نمونه، در آیه: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي»، «من» حسگر است و «خویشاوندان و بستگان» پدیده یا نمود هستند. یا در عبارت «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ»، ضمیر «أنت» که فاعل است حسگر و مریم پدیده است. یا در آیه: «فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي»، فاعل فعل که به حضرت مریم برمی‌گردد حسگر است و حزن و اندوه پدیده محسوب می‌شود.

بسامد زیاد فرایندهای ذهنی در سوره مریم نشان می‌دهد پدیده‌های ذهنی، حسی، فکری برای خداوند متعال مهم هستند. برای مثال، در آیه ۵: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي» که از زبان زکریا بیان شده است، فرایند «خفت» در اینجا به خوبی ترس زکریا را از اینکه بی‌ولاد و بدون وارث از دنیا برود، به مخاطب نشان می‌دهد. یکی دیگر از فرایندهای ذهنی پرتکرار کلمه ذکر و مشتقات آن است که در آیاتی مختلف آمده است: «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا (۱۶) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ صَادِقًا نَبِيًّا (۴۱) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِذْ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۱) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِذْ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (۵۴) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِذْ كَانَ صَادِقًا نَبِيًّا (۵۶) أَوْ لَكَ يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّ خَلْقَهَا مِنْ قَبْلِ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا (۶۷)»

حالت «عمل به توصیف» جلب کند. در سوره مریم، گاهی از فرایندهای مادی و گاهی دیگر از فرایندهای رابطه‌ای استفاده شده است؛ زیرا خداوند گاهی در مقام توصیف است و گاه در مقام نشان دادن یک کنش و رخداد؛ آنجا که بحث توصیف و گزارش پیش می‌آید، از فرایندهای رابطه‌ای و آنجا که موضوع کنش و رخداد مطرح می‌شود، از فرایندهای مادی استفاده شده است.

۴-۳- فرایند ذهنی

در متن سوره از شخصیت‌هایی مختلف استفاده شده است که این شخصیت‌ها هم دنیای درون دارند هم دنیای بیرون؛ به همین دلیل، علاوه بر عناصر مادی و رابطه‌ای که برای کنشگری و توصیف به کار می‌روند، از فرایندهای ذهنی نیز که بیانگر احساسات و عواطف و مکنونات شخصیت‌ها هستند، استفاده فراوان شده است. از مجموع ۳۱۴ فرایند، در ۴۸ فرایند، یعنی ۱۵/۲۸ درصد، از این نوع فرایند استفاده شده است. از نمونه‌های آن می‌توان به آیات زیر اشاره کرد: «وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي (۵) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ (۱۶) فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي (۲۴) فَإِنَّمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي ... (۲۶) أَلَذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ (۳۴) قَوْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ (۳۷) أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُوتَنَّا (۳۸) وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۳۹) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ (۴۱) لَمَّا تَعَبَّدَ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ (۴۲) أَهْدَى صِرَاطًا سَوِيًّا (۴۳) لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ (۴۴) إِنِّي أَخَافُ (۴۵) وَمَا يَعْْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (۴۹) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَى (۵۱) وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ (۵۶) وَمِمَّنْ هَدَيْنَا (۵۸) إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ ... وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا (۶۰) لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا (۶۲) فَاعْبُدْهُ ... هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا (۶۵) أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ (۶۷) الَّذِينَ اتَّقَوْا (۷۲) قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا (۷۳) حَتَّى إِذَا رَأَوْا فَسَبَّحُوا مَنْ هُوَ شَرُّ مَكَانًا ... (۷۵) الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى (۷۶) أَفَرَأَيْتِ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا (۷۷) أُلْطَعَ الْغَيْبَ (۷۸) سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ (۸۲) أَلَمْ تَرَ

نکته جالب توجه این است که بعد از شش فرایند ذهنی که به فکر و ذهن و امور درونی مربوط می‌شوند، خداوند از هفت فرایند رابطه‌ای و دو فرایند مادی بهره برده است تا موضوع ذکر و یادآوری را که ذهنی است، از خلال فرایند رابطه‌ای و مادی شرح دهد و توصیف کند و میزان باورپذیری را برای مخاطب افزایش دهد. با مراجعه به جدول (۱)، مشخص می‌شود از ۴۸ فرایند ذهنی، در ۴۴ فرایند، فرایندهای یادشده در کنار فرایندهای رابطه‌ای و مادی به کار رفته‌اند؛ امری که نشان می‌دهد خداوند متعال به دنبال آن است تا امور و رخداد‌های بازگوشده در گفتمان خویش را از سطح و لایه ذهنی خارج کند و به قلمرو اعمال واقعی و ملموس و قابل توصیف وارد و از این طریق، گفتمان خویش را عینی‌تر و باورپذیرتر کند.

۴-۴- فرایند کلامی

یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال محتوا در یک اثر گفت‌وگو است؛ امری که همیشه مورد توجه و اهتمام نویسندگان و شاعران بوده است. «گفت‌وگو به معنای صحبت کردن با هم و مبادله افکار و عقاید است ... صحبتی که میان شخصیت‌ها یا به طور گسترده‌تر در افکار شخصیتی واحد صورت می‌گیرد گفت‌وگو نام دارد» (میرصادقی، ۱۳۷۶ش، ص ۶۰۷). این عنصر به اشکال مختلف به ویژه در ساختارهای ندایی در سوره مریم استفاده شده است و یکی از ویژگی‌های اساسی این سوره به شمار می‌رود. عنصر یادشده نه فقط فرعی نیست که عمل داستان را در جهت یا جهاتی معین پیش می‌برد و با ذهنیت شخصیت‌ها هماهنگی و هم‌خوانی دارد. صحبت‌های ردوبدل‌شده میان شخصیت‌ها، در واقع، فعل و انفعال افکار و ویژگی‌های درونی و خلقی آن‌ها را نشان می‌دهد. این عنصر مهم در سوره مریم در قالب فرایندهای کلامی و با بسامدی نسبتاً زیاد ظهور و بروز یافته است. خداوند متعال با طرح گفت‌وگوهایی میان دو یا چند شخصیت و همین‌طور با گفت‌وگوهایی یک‌سویه، مضامین و مفاهیم مدنظر خود را مطرح کرده است. در

ادامه، به برخی از این فرایندها همراه با مشارکان آن‌ها اشاره می‌شود: إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳) قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۴) يَرْثُنِي وَيَرْثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶) قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸) قَالَ كَذَلِك... (۹) قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً... (۱۰)

در آیات بالا، به‌وفور از فرایندهای کلامی استفاده شده است. در تمام آیات، حضرت زکریا خداوند را مخاطب قرار داده است. بی‌شک، در این نوع خطاب، علاوه بر اینکه نوعی تلذذ از ذکر خداوند وجود دارد، معانی و مضامین مدنظر به‌خوبی به مخاطب منتقل شده‌اند. خداوند متعال تمام فضای فکری و ذهنی زکریا را در برگرفته است و حضرت زکریا نیز پیوسته و به مناسبت‌های مختلف با او سر صحبت را باز می‌کند. در آی ۳، حضرت زکریا آهسته و پنهانی با خدای خود به گفت‌وگو می‌نشیند و او را مخاطب خود قرار می‌دهد. در این عبارت، «نادی» فرایند است، ضمیر «هو» که به زکریا برمی‌گردد گوینده است و «رب» مخاطب و آیه چهارم به طور کامل «گفته» است. در خود آیه چهارم نیز سه فرایند وجود دارند: قَالَ - رَبِّ - رَبِّ. با توجه به اینکه در اسلوب منادی، یک نداده‌نده و یک نداده‌شده وجود دارد، عنصر گفت‌وگو در آن موجود است. به عبارت دیگر، تأویل «رب»، «أدعوك» است. زکریا منادی است، خداوند منادی و گفته نیز عبارت «إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ شَقِيًّا» است. علت تکرار منادی دومی در انتهای آیه، علاوه بر تأکید معنایی، لذت بردن از ذکر و نام خداوند است. عنصر گفت‌وگو در سوره مریم از جایگاهی ویژه برخوردار است؛ امری که حاکی از توجه خداوند تبارک و تعالی به بهره‌گیری از افعال کلامی و گفت‌وگومندی متن است. گاهی نیز جهت گفت‌وگو عوض شده و گوینده خداوند است؛ مانند آیات: يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ (۷) قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْنٍ (۹) ... قَالَ

أَتَيْتُكَ أَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا (۱۰) يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ (۱۲)

در تمام آیات بالا، گوینده خداوند و مخاطب گاهی حضرت زکریا است، گاهی حضرت یحیی و گاهی دیگر حضرت مریم. گاهی نیز حضرت مریم روح القدس را که - فرشته اعظم است - بر او فرستاده شده و به شکل بشری زیبا و راست‌اندام بر او ظاهر شده است، خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ نَقِيًّا (۱۸) قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰)

با مراجعه به سوره مریم، ملاحظه می‌شود یکی از سبک‌های مهم و استفاده‌شده در این سوره بسامد زیاد جمله‌های ندایی است. جمله‌های ندایی جمله‌هایی گفت‌وگومحور هستند؛ زیرا منادا از دو طرف تشکیل می‌شود: متکلم و مخاطب. این جمله‌ها ذاتاً جمله‌هایی ارتباط‌محور هستند که در آن‌ها در یک سو، ندادهنده و در دیگر سو، مخاطب قرار دارد. مهم‌ترین کنش موجود در این ارتباط گفت‌وگو است. یکی از واژه‌های پرتکرار در سوره مریم واژه «رب» است که ۲۳ مرتبه تکرار شده و در ۸ مورد به عنوان منادی آمده است. در این میان، بیشترین خطاب از جانب زکریا است که در ۶ مورد با خدای خود به گفت‌وگو می‌نشیند: إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (۳) قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي (۴) ... وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا (۴) وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا (۶) قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ (۸) قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً (۱۰). در یک آیه نیز حضرت ابراهیم خداوند را خطاب قرار می‌دهد: وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَا أَكُونُ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (۱۰).

رب به کسی گفته می‌شود که شأن او سوق دادن اشیاء به سوی کمال و تربیت آن‌ها است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۳۳۱). بی‌شک، صحبت کردن با خداوند و خطاب قرار دادن او مایه آرامش قلب است. زکریا با شش مرتبه خطاب قرار دادن خداوند، با او راز و نیاز کرده است. در هر شش خطاب، زکریا در مقام گوینده

ظاهر شده و خداوند را خطاب قرار داده است. زکریا در آیه نخست، «احساس درونی خود را در ارتباط با موضوع فرزندآوری بیان می‌کند. کاربرد ضمیر متکلم نیز موجب تقویت این کارکرد شده است» (سلیمی و انصاری، ۱۴۰۰ ش، ص ۱۶۵). در ابتدای آیه نیز با تعبیر رب، خداوند را خطاب قرار داده است تا محبت و لطف او را جلب کند. در واقع، فرایندهای کلامی در اینجا ویژگی و کارکردی دعایی دارند؛ «زبان دعا، زبانی عاطفی است که هم بیان‌کننده و هم برانگیزاننده احساس گوینده است. این زبان اندیشه را توأم با احساسات و با عبارتهایی کوتاه و فشرده بیان می‌کند (حری، ۱۳۸۷ ش، ص ۸۲). گاهی نیز حضرت در گفت‌وگوی با خداوند، ابراز تعجب و شگفتی خود را از وعده خداوند بیان می‌کند: قَالَ رَبِّ إِنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَأَنْتَ امْرَأَتِي غَافِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا (۸). البته این تعجب آن‌گونه که علامه طباطبایی گفته است، «با ایمان به قدرت خدا منافات ندارد و در حقیقت، استفسار از ویژگی‌های آن است، نه انکار. ایشان معتقد است به وسیله این پرسش، حضرت زکریا اضطراب درونی خویش را ساکن و آرام می‌کند» (الطباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴، ص ۱۷). گاهی نیز گفت‌وگو میان حضرت مریم و جبرئیل است: قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ نَقِيًّا (۱۸) قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا (۱۹) قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا (۲۰) قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ (۲۱)

در این آیات، شاهد گفت‌وگوی میان حضرت مریم و جبرئیل هستیم. بعد از اینکه جبرئیل بر حضرت مریم پاک و عذرا ظاهر می‌شود، ترس تمام وجود او فرا می‌گیرد؛ جبرئیل از مأموریت خود با وی سخن می‌گوید؛ امری که به شدت مایه تعجب و شگفتی وی می‌شود و این تعجب و غافلگیری را در قالب استفهام بیان می‌کند که چگونه ممکن است من صاحب فرزندی شوم با اینکه با هیچ بشری تماسی نداشتم. «از پرسش حضرت مریم چنین برمی‌آید که تا آن لحظه هرگز تصور نمی‌کرد کسی بتواند

به غیر از روش معمول میان یک مرد و زن، صاحب فرزند شود؛ امری که به حکم تصور بشری کاملاً طبیعی به نظر می رسد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۳۰۶)؛ اما این امر عجیب که وقوع آن حتی لحظه ای به ذهن او خطور نکرده بود، برای خداوند آسان بود و این چیزی بود که جبرئیل وعده تحقق آن را به او داده بود: قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ (۲۱). جبرئیل با گفتن این عبارت، بر تحقق وعده الهی مبنی بر باردار شدن حضرت مریم تأکید کرده است؛ به این ترتیب، گفت و گوی بین جبرئیل و حضرت مریم به پایان می رسد. سپس، صحنه ای دیگر از داستان به مخاطب عرضه می شود: فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهٍ مَكَانًا قَصِيًّا (۲۲) فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ: يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّسِيًّا (۲۳). در این بخش از داستان، به بارداری حضرت مریم اشاره شده است؛ اما در رابطه با اینکه «چگونه وی باردار شد و اینکه آیا بارداری او عادی بوده و اینکه آیا مراحل رشد جنین چگونه بوده است، هیچ اطلاعاتی از متن قابل برداشت نیست» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۳۰۶). در ادامه، زمانی که درد زایمان وی شروع شد، کنار تنه نخلی می رود و از روی خجالت و شرم، با خود می گوید: ای کاش قبل از این مرده بودم. سپس، ندایی به گوش او می رسد: فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي (۲۴) فَإِمَّا تَرَيَنَّ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا (۲۶). در این بخش، گوینده یا ندادهنده بنا به عبارت «مِنْ تَحْتِهَا» حضرت عیسی (ع) است. علامه طباطبایی در این باره می گوید: «ظاهر سیاق می رساند که فاعل فعل ناداها عیسی (ع) است. قید «مِنْ تَحْتِهَا» این موضوع را تأیید می کند؛ زیرا با حال مولود نسبت به مادرش در زمان وضع حمل مناسب تر است. علاوه بر این، برگشتن ضمیر در جمله قبل و بعد به عیسی ممکن است دلیلی دیگر بر این موضوع باشد» (طباطبایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷). جمله «أَلَا تَحْزَنِي»، در واقع، تسلیت و دلداری است به حضرت مریم تا از آن اندوهی که وجود او را گرفته است خلاص

شود؛ به همین دلیل، حضرت عیسی (ع) در ادامه به او می گوید: «اگر کسی در این رابطه از تو پرسید، به او بفهمان که روزه سکوت گرفتم و اجازه ندارم با احدی صحبت کنم که من خود با آن ها سخن می گویم». در ادامه نیز، با بسامد زیاد فرایندهای کلامی روبه رو هستیم. سپس، مردم با دیدن نوزادی که همراه وی بود، متعجب شدند و به او تهمت هایی زدند: قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا (۲۷) يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا (۲۸) فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا (۲۹) قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ (۳۰). همان طور که می بینیم، حوادث و اتفاق های داستان از خلال عنصر گفت و گو پیش می روند. در این بخش، شاهد گفت و گوی مردم با مریم و حضرت عیسی (ع) هستیم. بر این اساس، یکی از مهم ترین فرایندهای موجود در سوره استفاده از فرایندهای کلامی است که متن سوره را پیشرونده و فعال و حوادث آن را عینی و ملموس کرده است. با توجه به اینکه «فضای کلی سوره سراسر انذار و بشارت است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۶)، استفاده از فرایند کلامی و عنصر گفت و گو امری طبیعی است و کاملاً در راستای همین فضای کلی به کار رفته است. بر این اساس، خداوند متعال در بازنمایی گفتمان تبلیغی، تبشیری و اندازی خود، برای سخن گفتن و تعامل گفتاری اهمیتی ویژه قائل شده است.

۴-۵- فرایند وجودی

از مجموع فرایندهای موجود در سوره، ۱۳ مورد، یعنی ۴/۱۴ درصد، به فرایند وجودی اختصاص یافته است. از نمونه های آن متن سوره می توان به این آیات اشاره کرد: أَنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ (۸ و ۲۰) إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۳۵) لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (۳۸) وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ (۳۹) فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ (۵۹) بَيْنَ أَيْدِيَنَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ (۶۴) مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ (۷۵). در این آیات، کلمات «غلام، ت (من)، امر،

ظالمون، هُم، خَلَف؛ شِیء، شِیء، شِیء، مَن، همگی موجود هستند و وجود این فرایندها نشان‌دهنده یک مشارک به نام موجود است. آیه «أَنْتَ یَکُونُ لِی عُلَامٌ» دو بار در سوره مریم تکرار شده است: یک بار از زبان حضرت زکریا و بار دوم از زبان حضرت مریم. در آیه ۸ زمانی که خداوند بشارت فرزند را به حضرت زکریا می‌دهد، از روی تعجب می‌پرسد: «مگر ممکن است سر پیری آن هم از زنی نازا فرزنددار شوم؟» استفهام موجود در آیه برای انکار نیست، بلکه برای «استفسار از چگونگی محقق شدن این بشارت است تا به به این وسیله، اضطراب درونی را خود آرام کند» (الطباطبایی، ۱۳۷۴ق، ج ۱۴، ص ۱۹)؛ زیرا او پیامبر خدا است و به قدرت او کاملاً آگاه است و او را توانا بر استجاب دعایش می‌بیند؛ بنابراین، معنا ندارد که استفهام در اینجا انکاری باشد. در آیه ۲۰ نیز که از زبان حضرت مریم بیان شده است، استفهام «از باب تعجب است، یعنی چگونه صاحب فرزند شوم در حالی که با هیچ مردی ارتباط نداشته‌ام؟» (همان، ج ۱۴، ص ۵۴) در آیه ۳۵ نیز دو فرایند وجودی (کن و یکون) وجود دارند؛ یعنی به محض اینکه حکم خداوند به ایجاد چیزی تعلق گیرد، آن چیز موجود می‌شود. در آیات ۳۸ و ۳۹ نیز استفاده از فرایند وجودی با معنای مدنظر آیه کاملاً تناسب دارد. خداوند در این آیه ضلالت و غفلت را به مکانی تشبیه کرده است که ستمکاران در آن قرار دارند و هرگز از آن خارج نمی‌شوند. با توجه به اسمیه بودن هر دو جمله، فرایند وجودی (به تقدیر یکون) از جمله حذف شده است. اسمیه آمدن جمله نشان می‌دهد گمراهی و غفلت به دو صفت ثابت و همیشگی آن‌ها تبدیل شده است؛ آنچنان که گویی در آن‌ها زندانی شده‌اند و هرگز نمی‌توانند بیرون بیایند.

۵. نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و تحلیل فرایندهای موجود در سوره مریم نتایج زیر به دست آمد:

۱- از مجموع شش فرایند مطرح‌شده در نظریه نقش‌گرا، پنج فرایند مادی، رابطه‌ای، کلامی، ذهنی و وجودی به کار رفته‌اند. تنوع سبکی ناشی از به‌کارگیری فرایندهای مختلف، سکون، رتابت و یکنواختی را از متن سوره دور کرده و سبب پویایی و تحرک آیات شده است.

۲- در میان فرایندها، بیشترین بسامد از آن فرایندهای مادی است؛ امری که سبب دور شدن متن از فضای انتزاعی و درون‌گرایی شده و به آن حرکت و نیروی انگیزشی بخشیده و در نتیجه، مضمون و محتوای سوره را ملموس‌تر و باورپذیرتر کرده است. مهم‌ترین کنشگر موجود در فرایندهای مادی خداوند متعال است که حضور پررنگ او در سوره نشان‌دهنده اهمیت ذکر و یاد او و نیز اهمیت افعال و اعمالی است که او انجام می‌دهد.

۳- فرایندهای رابطه‌ای بعد از فرایندهای مادی در مرتبه دوم قرار دارند. این فرایندها بیشتر از نوع رابطه‌ای وصفی هستند تا شناسایی؛ زیرا خداوند در پی توصیف فضای کلی حاکم بر سوره است؛ ضمن اینکه در فرایندهای رابطه‌ای، بهتر می‌توان محتوای کلام را با جزئیاتی بیشتر در اختیار مخاطب قرار داد و از این طریق، وی را با خود و اندیشه خود همراه کرد.

۴- فرایندهای کلامی نیز یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال محتوا و اندیشه در سوره مریم هستند. این عنصر به اشکال مختلف در سوره مریم استفاده شده است و عمل داستان را در جهت یا جهاتی مشخص پیش می‌برد. خداوند متعال با طرح گفت‌وگوهای میان شخصیت‌های موجود در سوره و همین‌طور با گفت‌وگوهای یک‌سویه، مضامین و مفاهیم مدنظر خود را مطرح است.

۵- با توجه به اینکه در متن سوره از شخصیت‌هایی مختلف استفاده شده است و این شخصیت‌ها هم دنیای درون دارند هم دنیای بیرون، در کنار استفاده از عناصر مادی و رابطه‌ای که برای کنشگری و توصیف به کار می‌روند، از فرایندهای ذهنی که بیانگر احساسات و عواطف و مکنونات شخصیت‌ها هستند به طرز معنادار

استفاده شده است.

تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس بر اساس الگوی فرانقش متنی هالیدی. مجله پژوهش های ادبی-قرآنی، ۱(۲۵). ۱۰۹-۱۲۹.

کتابنامه

قرآن کریم

اورندی، فرحناز. (۱۳۹۹ش). بررسی فرآیندهای فعل در مجموعه داستان کوتاه کتاب ویران ابوتراب خسروی بر مبنای نظریه زبان‌شناسی نقاش‌گرایی هالیدی [رساله کارشناسی ارشد، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی].

بهرامی‌رهنما، خدیجه. (۱۳۹۹ش). بررسی فرانقش‌های اندیشگانی و متنی ترجمه سوره ملک. مجله مطالعات قرآنی، ۴۴، ۹-۳۴.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.

حری، ابوالفضل. (۱۳۸۷ش). افسون صوت و معنا در دعای آغازین سال نو به منزله اثر ادبی. پژوهش زبان‌های خارجی، ۴۳(۴)، ۷۱-۹۳.

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۶ش). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی. تهران: سمت.

رضاپور، ابراهیم و جلیلی دواب، مریم. (۱۳۹۵ش). بررسی گذاری کتاب «خواندن و نوشتن دروه مقدماتی نهضت سوادآوری» از منظر فرانقش اندیشگانی. دوفصلنامه مطالعات آموزش زبان فارسی، ۱(۲)، ۸۳-۱۰۰.

سلیمی، زهرا و انصاری، نرگس. (۱۴۰۰ش). تمایز سوره‌های مکی و مدنی بر اساس نقش‌های زبانی مطالعه موردی سوره‌های مریم و طه، نور و احزاب بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن. مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، ۹(۲)، ۹۷-۱۲۹.

سلطانی، سید علی اصغر. (۱۳۹۴ش). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.

سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی. (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن (چاپ هفدهم). بیروت: دار الشروق.

سیدی، حسین، و بیگ قلعه‌جوقی، سمیه. (۱۳۹۸ش).

صالحی، فاطمه. (۱۳۸۶ش). علم معانی و دستور نقش‌گرایی هالیدی. در کتاب ماه ادبیات، ۱(۸) (۱۲۲).

صفایی، مژگان. عادل، سید محمدرضا. و رمضان‌زاده لک، محمود. (۱۳۹۶ش). بررسی و تحلیل فرانقش اندیشگانی در شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست» فروغ فرخزاد در چارچوب نظریه نقاش‌گرایی هالیدی. مجله شعرپژوهی (بوستان ادب)، ۹(۳۲)، ۱۱۷-۱۴۰.

الطباطبائی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

الطباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۴ش). ترجمه تفسیر المیزان (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسان حوزه علمیه قم).

کاظمی، فاطمه؛ و زارع برمی. (۱۴۰۱ش). «تحلیل فرایندهای فرانقش اندیشگانی در سوره‌های واقعه و قیامت». مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱(۲۱)، ۴۳-۵۸.

مشکوه‌الدینی، مهدی. (۱۳۹۵ش). سیر زبان‌شناسی (چاپ هفتم). مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

مظفری، سودابه؛ و مریم اطهری‌نیا. (۱۴۰۱ش). «بررسی سوره مطففین از منظر فرانقش اندیشگانی هالیدی». مجله پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۳(۳۹)، ۴۹-۶۲.

معصومی‌مفرد، نرگس. اکبری‌زاده، مسعود. محمدی‌نیا، مهدی. و مجوزی، احمد. (۱۳۹۸ش). «بررسی فرایندهای فعلی سور مقولات از دیدگاه فرانقش اندیشگانی دستور هالیدی». مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، ۲(۱۰)، ۱۳۹-۱۶۰.

میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶ش). عناصر داستانی. تهران: انتشارات سخن.

مهاجر، مهران. و نبوی، محمد. (۱۳۹۳ش). به سوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقاش‌گرایی. تهران: آگه.

- Discourse, and Language. Tehran: Nashr-e Ney .
- Seyyed Qotb, Ibrahim Hussein Al-Sharabi. (1991). In the shade of the Quran (17th edition). Beirut: Dar Al-Shorouk .
- Seyedi, Hossein, and Bigghaleh Joughi, Somieh. (2019). Discourse analysis of Surahs Falaq and Nas based on Halliday's textual role model. *Journal of Quranic Literary Research*, 1(25), 109-129.
- Salehi, Fatemeh. (2007). The science of meanings and Halliday's functional grammar. In *Literary Monthly*, 1(8 (122)).
- Safaie, Mojgan, Adel, Seyed Mohammadreza, and Ramazanadeh Lak, Mahmoud. (2017). Analysis and examination of cognitive roles in Forough Farrokhzad's poem "Someone Who Is Like No One" within the framework of Halliday's functional theory. *Journal of Poetry Research (Boustane Adab)*, 9(2(32)), 117-140 .
- Tabatabai, Mohammad-Hossein. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Al-Alami Publications .
- Tabatabai, Mohammad-Hossein. (1995). Translation of *Al-Mizan Commentary* (5th edition). Qom: Islamic Publications Office.
- Kazemi, Fatemeh, and Zareh Barami. (2022). "Analysis of cognitive role processes in Surahs Al-Waqiah and Al-Qiyamah." *Journal of Quranic Linguistic Studies*, 1(21), 43-58 .
- Meshkatuddini, Mahdi. (2016). *The History of Linguistics* (7th edition). Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad .
- Mozafari, Soodabeh, and Maryam Ataheri Nia. (2022). "An examination of Surah Al-Mutaffifin from the perspective of Halliday's cognitive roles." *Journal of Quranic Literary Studies*, 3(39), 49-62 .
- Masoumi-Mofrad, Narges, Akbari Zadeh, Masoud, Mohammadi Nia, Mahdi, and Mojawezi, Ahmad. (2019). "Examination of process types in Surah Ma'arij from the perspective of Halliday's cognitive roles." *Journal of Quranic Studies and Islamic Culture*, 2(10), 139-160 .
- Mir Sadighi, Jamal. (1997). *Narrative elements*. Tehran: Sokhan Publications .
- Mohajer, Mehran, and Nabavi, Mohammad. (2014). *Towards the linguistics of poetry: A functional approach*. Tehran: Agah .
- هلیدی، مایکل. و حسن، رقیه. (۱۳۹۶ش). *زبان، بافت و متن* (مترجمان: مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی). تهران: انتشارت علمی.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Eggins, S. (2007). *An introduction to systemic functional linguistics*. Reprinted, New York.
- Leech, G. N. (1988). Stylistics and Functionalism. In *Language in Literature*. Routledge.
- ### Bibliography
- Quran Karim
- Orandi, Farahnaz. (2020). An analysis of process types in the short story collection "The Ruins" by Abou Torab Khosrowi based on Halliday's functional linguistics theory [Master's thesis, Persian Language and Literature, Allameh Tabatabai University] r
- Bahrami-Rahnama, Khadijeh. (2020). An analysis of cognitive and textual roles in the translation of Surah Al-Mulk. *Journal of Quranic Studies*, 44, 9-34 e
- Jawadi Amoli, Abdollah. (2009). *Tafsir Tasnim*. Qom: Esra ā
- Harri, Abolfazl. (2008). The enchantment of sound and meaning in the New Year's opening prayer as a literary work. *Foreign Language Research*, (43), 71-93 .
- Dabirmoghadam, Mohammad. (2007). *Theoretical Linguistics: The emergence and development of generative grammar*. Tehran: Samt .
- Rezapur, Ebrahim, and Jalili Doab, Maryam. (2016). An analysis of the book "Reading and Writing in the Basic Literacy Movement" from the perspective of cognitive roles. *Biannual Journal of Persian Language Education Studies*, 1(2), 83-100 .
- Salimi, Zahra, and Ansari, Narges. (2021). Distinction between Meccan and Medinan Surahs based on linguistic roles: A case study of Surahs Maryam, Taha, Noor, and Ahzab based on Roman Jakobson's communicative model. *Journal of Quranic Literary Studies*, 9(2), 97-129 r
- Sultani, Seyed Ali-Asghar. (2015). Power,

- Halliday, M.A.K., and Hassan, Ruqayya. (2017). *Language, context, and text* (Translators: Mojtaba Manshizadeh and Tahereh Eshani). Tehran: Scientific Publications.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, C. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Egins, S. (2007). *An introduction to systemic functional linguistics*. Reprinted, New York.
- Leech, G. N. (1988). Stylistics and Functionalism. In *Language in Literature*. Routledge.

